

تظاهرات دانشجویی عراق (۱۹۲۶-۱۹۲۸م) زمینه‌ها و پیامدها
Students' Protests in Iraq
between 1926-1928: background and consequences

د. هەردی مهدی میکە

بەشی زانستە رامیارییە کان/ کۆلیژی زانستە رامیارییە کان/ زانکۆی سلیمانی
 بەشی پەییوەندییە نیۆدەولەتییە کان/ کۆلیژی یاسا/ زانکۆی گەشەپێدانی مروی

Department of Political Sciences /College of Political Sciences/
 University of Sulaimani

Department of Politics / College of Law and Politics / University
 of Human Development

Hardi.mika@univsul.edu.iq

پوختە ی کوردی:

خۆپیشاندانە خۆبەکارێیە کانێ عێراق ۱۹۲۶-۱۹۲۸.ز؛ زەمینە و لیکەوتە کانێ

ئەگەرچی تا ساڵی ۱۹۳۲ز عێراق و حکومەتە کەسێ لە ژێر سایە حاکمی سیاسی و هەژموونی سەربازی ئینتەدابی بەریتانیادا بوو، بەلام لەسەرەتای دامەزراندنی دەولەتی نوێی عێراقەو، هەندێ لە توێژە کۆمەلایەتیە کانێ ناو کۆمەلگە عێراق لە چوارچێوەی جولە و پیشەیی خۆیان و لە پەراوێزی کەسێ سیاسی عێراقدا چەندین چالاکێ و کاردانەو و بزوتنەو و بان دەستپێکرد، بزوتنەو و خۆبەکارێی خۆبەکارانی عێراق بە تاییبەت لە شاری بەغدا لە نیوان ساڵانی ۱۹۲۶-۱۹۳۲ز، یەکیکە لەو دیاردە کۆمەلایەتیەکانێ کە جیگە تێرمان و رافە میژووپی، بە رەچاوکردنی ئەو دۆخە ناجیگەرێ پرۆسە سیاسی و ئالوگۆرە کان و دواکەوتوو دۆخی کۆمەلایەتی کە هیشتا عێراق نە ک وە ک ولاتیکی دامەزرابو، ئامارە کانێ ژمارە خۆبەکارێ و خۆبەکاران و مامۆستایان ئەم حالەتە دەسەلمێن، هاوکات جولانەو و یە ک و داری خۆبەکارێش دیسانەو و حالەتیکی هەستپێکراوی سیاسی و کۆمەلایەتی دەبیرت، ئەمەش بۆ میژووپی هاوچەرخێ ناوچە کە شایستە لێنۆرین و توێژینەو یە. هیندە بەسە کە بزانی تەنها لە ماوەی ساڵانی ۱۹۲۶-۱۹۲۸ز لانیکەم سێ جولانەو و خۆبەکارێ دیار دەرکەوتن: یە کەم: خۆپیشاندان دژی ریکەوتننامە ۱۹۲۶ی عێراق-ئینگیز، دوو: خۆپیشاندانی پەییوەست بە دۆسێ دەرکردنی "ئەنیس نسولی" نووسەری کتیبی میژووپی ناو پرۆگرامە کانێ خۆبەکارێ، سێ: خۆپیشاندان دژی هانی "ئەلفرید مۆندی جوو" بۆ عێراق. هەریە ک لەم جولانەوانە جیا لەو و خۆبەکارێ، هاوکات بارگاوین بە دۆخی سیاسی و هەم کارتیکی و هەم کارلیکراوین. ئەم توێژینەو بە دوا و لەمی ئەم پرسیارنەو یە: هۆکارە کانێ پشت بزوتنەو و خۆبەکارێ سەرەتای بنیاتنانی عێراق چی بوو؟ سیاسەت و سیاسەتوانە کان چ رۆلیکی لەو بزوتنەو یە دا گێرا؟ ئایا بزوتنەو یە کێ سروشتی بوو یان کارتیکی سیاسی دەستی سیاسییە کان بوو؟ رەوتی توێژینەو کە دەچیتە خانە توێژینەو نیۆسپۆرییە کانێ بواری کۆمەلناسی میژووپی و بۆشیکاری پیدراو میژووپیە کانیش پشتی بەستوو بە تیۆری "ئامادەسازی سەرچاوە کان" ی کۆمەلناسی میژووپی چارلز تیلی زۆرتیرینی ئەم دیدگایە کەسێ {لە ئامە دەسازییەو تا شۆرش} و تاییبەتە بە رافە بزوتنەو کۆمەلایەتیە کان و جەخت لەسەر هۆکاری بزوتنەو و کان و جولینەر و سەرکەتکارە کانێ جولانەو و کان دەکاتەو و وە ک دیداردە یە کێ کۆمەلایەتی ئامرازی شیکردنەو یە بۆ دیاریکردوون. میتۆدی توێژینەو یە بە کارهاتووش میتۆدی وەسفی-شکارییە کتیبخانە ییە و بۆ کۆکردنەو یە پیدراو و روداو میژووپیە کانیش

شده به ستریت به یادداشت و سه‌چاوه میژووییه کان و هاوکات نه و نه ده بیات‌هی که بزوتنه وه کومه لایه تیبه کان شیکار ده که‌ن. وشه کللیه کان: خویشاندانی خویندکاری، تیوری ناماده‌سازی سه‌چاوه کان، میژووی هاوچه رخ، عیراق.

مقدمه

کنش دانشجویی در عراق در آغاز شکلگیری دولت عراق، در چارچوب جنبش‌های اجتماعی دیگر و تشکل‌های سیاسی مشارکت داشت و نقش خود را در راستای کشمش-های سیاسی و اجتماعی عراق ایفا نمود. در دهه اول تاسیس دولت عراق، که در آن دوره عراق تحت قیمومت انگلیس بود، دانشجویان عراقی مانند قشرهای دیگر اجتماعی، به سیاست استعماری انگلیس و حامیان او در عراق نقش خود را در چارچوب فعالیتات خود ایفا نمودند و اوج نارضایتی-های خود را در سه تظاهرات بروز دادند. باید در نظر گرفت که کنش-های دانشجویی در عراق جزو حرکت وسیع‌تری بودند که اغلب عراقی-ها در آن زمان در قالب تشکل-های گوناگون اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قرار گرفته-بودند و علیه سیاست-های دولت بریتانیا حرت می-کردند. بنابراین باید در این چارچوب به کنش دانشجویی در عراق نگاه کرد، نه اینکه مانند جنبش-های مستقل معاصر نیمه دوم قرن بیستم فرانسه و امریکا نقش را ایفا کرده باشند. همانطور نمی-توان کنش دانشجویان عراق را در سالهای ۱۹۲۶-۱۹۲۸ نادیده گرفت و جزئیات، عوامل و نتیجه آن را فراموش کرد. بنابراین برای تشریح و تحلیل و آسیب-شناسی کنش دانشجویی در عراق، تحقیق حاضر، سه تظاهرات دانشجویان را مورد بررسی قرار داده که در دوران خود بخشی از برنامه-های دولت عراق و فضای مجازی به ویژه کتاب-های درسی را تحت تأثیر قرار داد و و علیه سیاست-های انگلیس در برابر دولت و مردم عراق نقش خود را ایفا کرد. در تاریخ معاصر عراق آن کنش‌ها به نام‌های زیر ثبت شده است: (تظاهرات دانشجویان ضد توافقنامه حکومت عراق-بریتانیا ۱۹۲۶، تظاهرات دانشجویان ۱۹۲۷ پیوند به مسئله اخراج انیس نصولی، تظاهرات دانشجویان ۱۹۲۸ علیه الفرد موند یهودی). (الزیدی، ۱۹۷۸، ص. ۱۱)

پس از جنگ جهانی اول انگلستان و فرانسه، بخش بزرگی از متصرفات عثمانی را زیر استیلای خود قرار دادند. دولت انگلستان برای تأمین منابع گوناگون خود، در منطقه خلیج فارس در ۱۰ اوت ۱۹۲۰ م کشوری جدید التأسیس را از ولایات سه گانه عثمانی (بغداد، بصره و موصل) به نام عراق ایجاد کرد. از آن تاریخ به بعد کشور نوبنیاد عراق، میراث دار العثماني قدیم و همسایه غربی ایران شد. با گذشت سه سال از شروع جنگ جهانی اول، انگلستان با بهره-گیری از ضعف دولت عثمانی و متحدانش، بصره، بغداد و موصل را اشغال نمود. این واقعه سرآغازی برای شکل‌گیری جنبشهای ضد استعماری در تاریخ معاصر عراق شد. انگلیسی-ها در طول اشغال عراق علی‌رغم وعده-هایی که برای استقلال به مردم این سرزمین می-دادند؛ سیاستهایی را در پیش گرفتند که باعث نارضایتی شدید مردم عراق (اعم از عرب، کرد و غیره) شد. این مسئله باعث شکل-گیری قیام بزرگ و مردمی در سال ۱۹۲۰ م در عراق شد. (کریمی، ۱۹۸۸، ص. ۷۱) البته دوره (تأسیس دولت عراق) ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۲ (که سال استقلال عراق از استعمار بریتانیا است)، دوره پر کشمکش و تغییرات بزرگی در تاریخ معاصر عراق است، در این دوره ۱۲ ساله قیمومت، علاوه بر سرکوبی و سیاست استعمارگرایانه بریتانیا در این کشور، مسائل مهمی و حوادث تأثیرگذاری ایجاد شد که باعث کشمکش-های بیشتر شد، مانند مسئله تمامیت اراضی و تشخیص نهایی مرزهای جغرافی و سیاسی عراق به عنوان یک دولت جدید، تعیین-نمودن ملک فیصل اول به عنوان اولین شاه عراق در ۱۹۲۱ توسط انگلیسی-ها، تشکیل دادن و تغییر دادن ۱۳ کابینه وزارت در طول ۱۲ سال قیمومت به علت ناآرامی-ها و عدم ثبات سیاسی و امنی در آن دوره و امضا کردن بیشتر از پنج توافقنامه میان دولت عراق و بریتانیا، نارضایتی‌های مدام توده مردم و تشکل-های اجتماعی و سیاسی عراق ضد توافقنامه‌ها و سیاست‌های انگلیس که جنبش-های اجتماعی مانند جنبش دانشجویی و تظاهرات کارگران و قیام-های عشایری و قیام برخی استان‌ها علیه حکومت عراق و بریتانیا. (عامری، ۲۰۰۹، ص. ۸۵)

در این میان مسئله سرکوب اجتماعی، ظهور یک دولت غربی استعمارگر و ستم سیاسی آن علیه عراقی-ها از یک طرف و عکس‌العمل جنبش-های اجتماعی از طرف دیگر، پدیده-های جدیدی در فضای سیاسی ایجاد کرد و فعالیت-های قدیمی و سنت-های سیاست پیشین

را پشت سر گذاشت و به فعالیت-های جدید مانند تظاهرات و ایجاد تشکل-های قشری و حزبی به ویژه فعالیت-های دانشجویی در جامعه عراقی روی-آورد.

البته شالوده کنش دانشجویی در این سه سال در تاریخ معاصر عراق، خود را در تظاهرات زیل بیان نمود و توسط مورخان عراقی با اسامی زیر ثبت شده-اند:

۱. تظاهرات دانشجویان ضد توافقنامه حکومت عراق-بریتانیا ۱۹۲۶.

۲. تظاهرات دانشجویان به علت اخراج-کردن انیس نصولی نویسنده کتاب درسی ماده تاریخ، تحت عنوان "تاریخ دوله امویان" در ۱۹۲۷ م، که باعث خشم دانشجویان و شیعیان و مراجع آنان در عراق شد.

۳. تظاهرات دانشجویان در برابر آمدن الفرد موند یهودی ۱۹۲۸ م.

بنابراین مقاله حاضر در صدد جواب سؤالات زیر است:

۱. چرا تظاهرات دانشجویی ایجاد می-شد؟

۲. فضای سیاسی و اجتماعی چه نقشی در تظاهرات دانشجویی سال-های ۱۹۲۶-۱۹۲۸ داشتند؟

۳. چرا و چگونه در دهه اول تأسیس دولت عراق، دانشجویان تحت تأثیر جریان-های سیاسی نموده ند؟

اهمیت این تحقیق از آن لحاظ است که فعالیت-های دانشجویی در آغاز تشکیل دولت عراق به مثابه یک جنبش اجتماعی مورد بررسی قرار می-گیرد، از این لحاظ شناخت و تشریح تظاهرات دانشجویان می-تواند جنبه-های غیر متعارف جریان های سیاسی و اجتماعی دهه اول تأسیس دولت عراق را توضیح دهد. علاوه بر آن می-توان از این طریق نقش دانشجویان را در کشمکش-های سیاسی بیان کرد و نقش تشکل-ها و فضای سیاسی معاصر تظاهرات در واکنش-های دانشجویان مورد توجه قرار گیرد. به رغم آن، سیاست-های سرکوب-گرایانه بریتانیا و حکومت عراق در برابر دانشجویان توضیح داده شود.

هدف اصلی مقاله حاضر، بررسی زمینه-های سیاسی کنش دانشجویان و تأثیر و تأثر در فضای سیاسی در تظاهرات دانشجویان است، و روش تحقیق در این پژوهش، روش توصیفی تحلیلی است با تأکید بر شناخت علت، تشریح و توصیف آن سه تظاهرات دانشجویی در میان سال های ۱۹۲۶-۱۹۲۸ م است. در این تحقیق برای بررسی داده-ها و نتیجه-گیری، بر نظریه "از بسیج تا انقلاب" چارلز تیلی درباره کنش جمعی و مفاهیم کلیدی این نظریه در تحلیل و توصیف رویدادهای مربوط به دانشجویان در سال های ۱۹۲۶-۱۹۲۸ تأکید شده است.

چارچوب نظری

چارلز تیلی جامعه-شناس تاریخی در کتاب (از بسیج تا انقلاب)، درباره تعریف سرکوب معتقد است که هرگونه کنشی توسط گروه دیگر است که هزینه کنش جمعی مدعی را افزایش می-دهد. کنشی که هزینه کنش جمعی یک گروه را کاهش دهد، شکلی از تسهیل است. (تیلی، ۱۳۸۸، ص. ۱۴۹)

اگر قاعده نظری تیلی را برای تحلیل سرکوب-های که در عراق دوره تحقیق حاضر مورد توجه قرار گرفته-شود، می توان گفت که کنش دانشجویی در عراق در میان سال های ۱۹۲۶ م تا ۱۹۲۸ م، ریشه-ها و زمینه-های این کنش مستقیم مربوط به فضای سیاسی عراق پس از جنگ جهانی اول ۱۹۱۴-۱۹۱۸ و دهه اول تأسیس دولت نوین عراق می شود. بنابراین تمام زمینه-های منجر به جریان-های سیاسی عراق این دوره در زمینه سازی کنش دانشجویی ۱۹۲۶-۱۹۲۸ م نقش داشتند و مانند عوامل و متغیرات جامعه تأثیرگذار بودند، چرا که بیشتر دانشجویان به مثابه یک مدعی و ضد استعماری به عنوان کنشگر توسط تشکل-ها و نخبگان سیاسی مانند یک ابزار فشار سیاسی به کار رفتند و آنها را در این راستا بسیج کردند. در صفحات تاریخ معاصر عراق می-توان استنباط کرد که هرگونه سرکوب بیشتری از طرف بریتانیا به مثابه یک استعمار در جامعه، باعث واکنش-های اجتماعی قشرها و طبقه-های اجتماعی در عراق شده است، و در نهایت این معادله-ی که ذکر شد به عنوان کلیدواژه-ای شد که کنشگران و رجال سیاسی توانستند از آن بهره گیرند و تشکل های اجتماعی و سیاسی عراق به ویژه دانشجویان و توده مردم به طور کلی را در راه ضد استعماری بسیج کنند و نارضایتی-ها را رونق دهند.

علاوه بر سرکوب-های مدام بریتانیا و حکومت تحت قیمومت عراق، کنش دانشجویی در عراق به عنوان یک کنش جمعی مدعی و ضد استعماری نقش بسیار آشکاری در کشمکش-های سیاسی دهه اول تأسیس عراق ایفا کرد و زمینه-ی برای جریان های بعدی و انقلاب-های دیگر عراق فراهم کرد، کنش دانشجویی میان سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۲۸ م، به مثابه یک الگوی اجتماعی برای بهره-جستن از قشرهای اجتماعی دیگر به عنوان یک ابزار سیاسی در دست معارضین سیاسی در سال های بعد قرار گرفت. (الزیدی، ۱۹۷۸، ص. ۱۳)

البته تأکید بر نظریه جامعه شناسی تاریخی چارلز تیلی درباره بسیج و کنش جمعی و انتخاب نظریه وی به عنوان مفهوم کلیدی برای تحلیل کنش دانشجویان به این علت بود که تیلی بر خلاقیت مردم عادی تأکید می ورزد، از طرف دیگر اهمیت زیادی برای تأثیر تغییرات ساختاری گریزناپذیر قائل می شود. (اسکاچپول، ۱۳۸۸، ص. ۳۴۴) از این لحاظ می-توان برای تحلیل پدیده اجتماعی به عنوان کنش دانشجویی در عراق بهره بُرد، چرا که از یک طرف کنش دانشجویی خلاقیت و فعالیت دانشجویان به عنوان توده مردم و از طرف دیگر تغییرات جدید و پدیده کنش-های جمعی و مشارکت در سیاست و شکلگیری هویت دولت جدید و حرکت نوسازی در جامعه عراق نقش داشتند و در دهه اول تأسیس و وجود استعمار انگلیسی هم واقعه گزیرناپذیر است و باید توده مردم عراق به ویژه دانشجویان با الهام-گرفتن از شکل-های سیاسی مواضع خود را نشان دهند. علاوه بر این بیشتر تحقیق های تیلی در عرصه کنش های جمعی و جنبش های اجتماعی قرار می گیرند. از لحاظ دیگر کنش دانشجویی عراق آن دوره درست است یک صفحه است از تاریخ اجتماعی اما علت و زمینه و هدف کنش کاملاً سیاسی بود، و این سازگاری کامل با نظریه تیلی دارد، چون از نظر تیلی انقلاب و جنبش های اجتماعی نوعی اعمال خشونت سیاسی سازمان یافته، آگاهانه و هدفمند از سوی گروه های محروم و معترض علیه نظام حاکم است. (تیلی، ۱۳۸۸، ص. ۸) تیلی معتقد است که هدف کنش جمعی قدرت سیاسی است و تغییرات در آرایش قدرت، فرصت ها و تهدیدهای رویاروی رقبا و مدعیان قدرت را تغییر می دهد. (اسکاچپول، ۱۳۸۸، ص. ۳۵۱)^(۱)

بنابراین برای فهم و توصیف و تحلیل داده-ها درباره کنش دانشجویی سالهای ۱۹۲۶-۱۹۲۸ در عراق، نظریه جامعه شناسی تاریخی تیلی در پژوهش مورد توجه قرار گرفت.

کنش جمعی از نگاه چارلز تیلی

تیلی یکی از نویسندگان مشهور مکتب «تجهیز یا بسیج منابع» است، این رویکرد [مکتب] در ده ۱۹۷۰ رشد کرد، این نوع نگرش را آنتونی ابرشال، ویلیام گامسن، مایر زالد و جان مکاری و چارلز تیلی به وجود آوردند و رشد دادند، این نویسندگان بر "نیازهای سازمانی جنبش های اجتماعی" تأکید داشتند و مطالعه کنش های جمعی را استقلال بخشیده و آن را از مبحث رفتارهای جمعی جدا کردند. (زاهد، ۱۹۸۹، ص. ۲۵) تیلی در بیان نظریه خود می-گوید: "برنامه من در اینجا (کتاب از بسیج تا انقلاب) این است که مفاهیم و فرضیه-های کلی مطالعه معاصر یا تاریخی مربوط به موارد کنش جمعی را ترسیم کنم. به برخی از مشکلات مطرح شده در تحلیل های مارکس درباره تعارضات سیاسی قرن هیجدهم که همچنان لاینحل مانده اند توجه می کنیم..." (تیلی، ۱۳۸۸، ص. ۷۷)

چارلز تیلی کنش جمعی را بر "رفتار" جمعی ترجیح می دهد تا بر اهمیت عامل تأکید ورزد، وی کنش جمعی را با تحلیل علی و تحلیل غایی در برمی گیرد. تبیین علی کنش یک فرد یا گروه را "نتیجه نیروهای خارجی نسبت به فرد یا گروه" تلقی می کند. اما تبیین غایی فرد یا گروه را به عنوان کسانی که طبق مجموعه-ی از قواعد ضمنی یا صریح انتخاب می کنند در نظر می گیرد. (اسکاچپول، ۱۳۸۸، ص. ۳۴۶)

در نظر او انقلاب ها، شورش ها، جنبش-های اجتماعی، توطئه-های سیاسی و بسیاری از کودتاها، انواع مختلفی از کنش-های جمعی هستند که با هدف ایجاد تغییر یا ممانعت از تغییری در جامعه صورت می-گیرند. تیلی توضیح زمینه-های کنش جمعی را، در کتاب مشهورش «از بسیج تا انقلاب» می-دهد، قواعد و اصول کلی "نظریه کنش جمعی" خود را مطرح می کند و به جزئیات آن می پردازد.

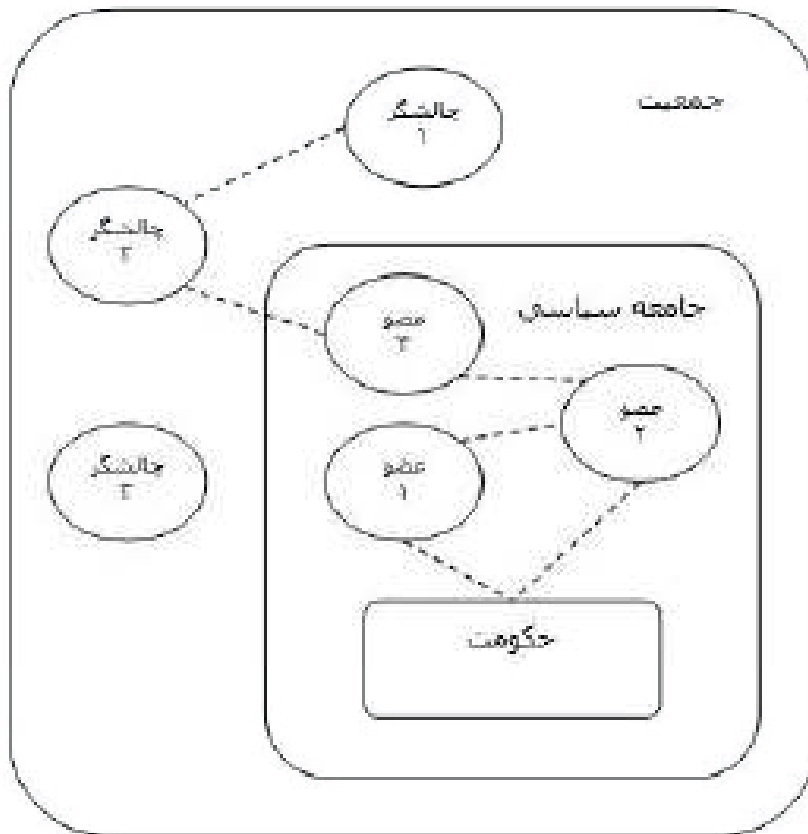
او اجزاء تشکیل دهنده کنش جمعی را در پنج پایه اصلی می بیند: «منافع»، «سازمان»، «بسیج»، «فرصت» و خود «کنش جمعی». وی در کتاب "از بسیج تا انقلاب" آن مطلب را بررسی می-کند که چه چیزی یک گروه را به وجود می آورد و چگونگی منافع واقعی و با دوام را

شناسایی می-کند. (اسکاچپول، ۱۳۸۸، ص. ۳۴۶)

برای توضیح بیشتر مفاهیم اصلی نظریه مذکور، دو مدل را مطرح می-کند: ۱. مدل جامعه سیاسی (ن.ک: شکل شماره ۱). ۲. مدل بسیج "تجهیز" (ن.ک: شکل شماره ۲).

تیلی عناصر تشکیل دهنده مدل جامعه سیاسی با پنج جزء بیان کرده است: جمعیت، حکومت، یک یا چند مدعی، یک جامعه سیاسی و یک یا چند ائتلاف.

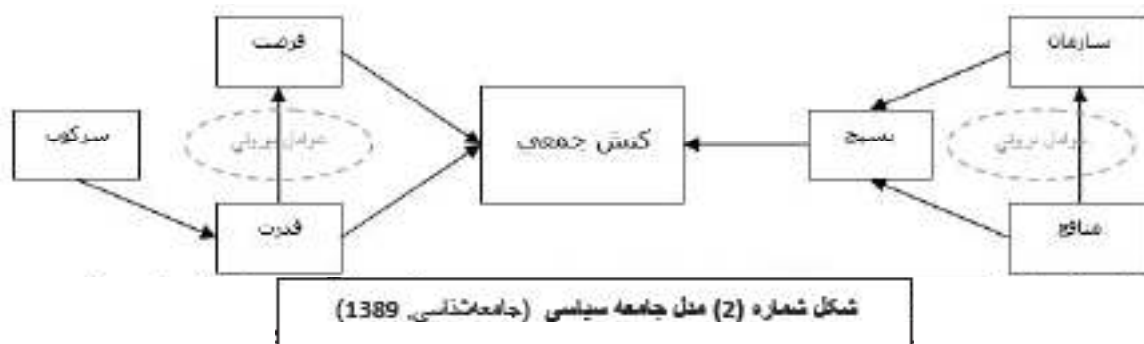
تیلی در مدل جامعه سیاسی، حکومت را با نقطه آغاز شناسایی می کند و سپس به شناسایی جمعیتی که آن حکومت بر آن کنترل یا ادعای کنترل دارد می پردازد، در این راستا مدعیان قدرت سیاسی را به دو گروه تقسیم کرده، نخست اعضای حکومت، سپس چالشگران حکومت. در واقع، رقابت اصلی و منشاء پویایی در الگوی سیاسی ناشی از رقابتی است که میان مدعیان (اعضاء و چالشگران) جریان دارد تا سهم بیشتری از قدرت حکومتی را در اختیار داشته باشند. از نظر تیلی، حکومت سازمانی است که ابزار متمرکز و اساسی را در درون جمعیت در اختیار دارد. روابط و چالش-های میان حکومت، اعضاء و چالشگران، شکل دهنده فضای جامعه سیاسی است. گاهی ائتلاف-هایی میان اعضاء و چالشگران نیز بوجود می آید که هدف آنها هماهنگ سازی کنش جمعی با اهدافی مشترک است. (تیلی، ۱۳۸۸، ص. ۸۰)



شکل شماره (۱) مدل جامعه سیاسی (تیلی، ۱۳۸۸، ص. ۸۲)

اما در باره مدل بسیج شکل دیگری مطرح می-کند (ن.ک: شکل شماره ۲ مدل بسیج) عناصر این الگو عبارتند از: منافع، سازمان، بسیج، فرصت و کنش جمعی. منافع، مجموعه امتیازات و محرومیت-های مشترکی است که ممکن است در اثر تعاملات مختلف با دیگر جمعیت-ها بر جمعیت مورد بحث وارد آید. سازمان، میزان هویت مشترک و ساختار وحدت بخش افراد در درون یک جمعیت است. بسیج، میزان منابعی است که تحت کنترل جمعی یک مدعی قرار دارد. کنش جمعی، میزان اقدامات جمعی یک مدعی جهت نیل به هدف مشخصی است. فرصت، رابطه میان منافع جمعیت و وضعیت جهان اطراف است. (جامعه-شناسی، ۱۳۸۹)، "این شکل بیان می دارد که عناصر تعیین کننده بسیج یک گروه سازمان آن، منافع آن در تعاملات ممکن با یکدیگر مدعیان، فرصت/تهدید کنونی آن تعاملات و در معرض سرکوب

بودن گروه هستند. این شکل بیان می کند که در معرض سرکوب بودن گروه عمدتاً تابعی از نوع منافع است که آن گروه نمایندگی آنها را دارد. و این شکل میزان کنش جمعی را برآیندی از قدرت، بسیج و فرصت-های کنونی و تهدیدات متوجه منافع آن گروه می-داند." (تیلی، ۱۳۸۸، ص. ۸۵)



تأکید تیلی بر منازعه-ی سیاسی چند پیامد مهم دارد مخصوصاً برای این پژوهش حاضر، چرا که کنش دانشجویان در عراق میان سال های ۱۹۲۶ تا ۱۹۲۸ بطور کلان جنبه سیاسی داشت و انگیزه های سیاسی مدعیان و تشکل-های سیاسی، مورد توجه دانشجویان قرار گرفته بودند یا اینکه تحت تأثیر آنها بودند، البته از طرف دیگر، قدرت و سیاست انگلیس نیز سبب دیگری برای فعالیت-های کنش دانشجویی عراق و حتی می-توان گفت ایجاد و ظهور آن به مثابه یک کنش فعالگر در آن دوره بود، از جمله آن پیامدهای که در این جریان به وجود آمد و تأکید بر منازعات دارد، که نیز قابل توجه نظریه تیلی هم هست و به نقش دولت در هرگونه مبارزه-ی سیاسی تأکید می-ورزد. چون مسئولین دولت با اقدامات خود، بارها کنش-های جمعی را به خشونت جمعی تبدیل نمودند و سرکوب از ابزارهای آنها بود. (اسکاچپول، ۱۳۸۸، ص. ۳۶۶) برای مثال هنگامی که حاکم سیاسی دولت بریتانیا در عراق و حکومت تازه تأسیس شده عراق به شدت راهبرد سرکوب را در نظر می گرفتند و بکار می-گرفتند در برابر عراقی ها در اوایل تاسیس دولت، این امر منجر به خشونت های جمعی مانند قیام مردمی ۱۹۲۰م و قیام گردها در شمال عراق و تظاهرات ۱۹۲۴ و کنش های متداوم دانشجویان در سال های ۱۹۲۶ و ۱۹۲۷ و ۱۹۲۸ شد. نظریه بسیج منابع تیلی که در این پژوهش برای تحلیل و توصیف رویدادها به کار رفته است یک نظریه رابطه گراست و تأکید او بر روابط است، در حالی که جامعه و فرد، به ترتیب دومین و سومین عامل مورد بحث قرار می گیرند. (زاهد، ۱۹۸۹، ص. ۴۹)

فضای سیاسی و زمینه های تظاهرات دانشجویی عراق

پس از جنگ اول جهانی و تأسیس دولت جدید عراق در اوایل دهه بیست قرن بیستم، رجال سیاسی و روشنفکران عراق، آراء مختلف و گوناگونی درباره آینده عراق در نظر داشتند، از جمله آنهای که بیشتر رایج بودند: آیا نظام سیاسی دولت عراق جمهوری یا پادشاهی باشد؟ چه کسی یا چه گروهی حقانیت فرمانروایی کشور را دارد؟ برخورد با انگلیس و دولتمردان آن در عراق چطور باشد؟ تمامیت ارضی و مرز سیاسی عراق تا کجاست؟ با یک کشور چند ملیتی چه باید کرد؟ اقلیات و ملیت-های ساکن حدود عراق چه حقوقی در کشور جدید دارند؟ چه برخوردی با اقلیات ناراضی و معارضین باید کرد؟ آیا هویت سیاسی عراق یک دولت ملی-گراپی عربی باشد یا اینکه یک هویتی جدید چندگانه را تعیین تشخیص کند؟ قیام کردها و اشوری ها در شمال عراق چه باید کارکرد؟ این مسائل از جمله مشکلات ایجاد شده و بحران-های بودند که چالش-های عمده-ای را برای دولت ایجاد کرد و بخش بزرگ آن مشکلات هنوز با برجا هستند. (تریپ، ۲۰۰۶، ص. ۶۷) همانطور که "نیهمن یاماگوگوز" پژوهشگر مسائل عراق معتقد است که از سال ۱۹۲۰م به این سو، دولت حاکم بر عراق، یک دولت بی-ریشه یا فاقد پایگاه اجتماعی و مقبولیت فراگیر بوده است و یک دولت-ملت فراگیر که تجلی نهادین و فراگیر همه گروه-بندی-های قومی و مذهبی باشد، شکل نگرفت. (واعظ و دیگران، ۱۳۹۷، ص. ۹۶)

عراق میان سال-های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۲م، دقیقاً همان سال-های که عراق مستقیماً تحت قیمومت انتداب انگلیس بود، عراق در این دوره تغییرات و تحولات عمیقی را در پیش گرفت که برخی از آنها اهمیت زیادی برای تحولات اجتماعی و مدرن-سازی عراق داشتند و بخش

دیگر از آنها تحولات بحران-ساز بودند، بدر این میان تشکل-ها و جریان-های سیاسی و مذهبی میان این سال-های سرنوشت ساز نقش بسزایی را ایفا کردند که برای جامعه عراقی و قشرهای اجتماعی و کنش-های جمعی تاثیرگذار بودند، مبارزه با انگلیس و سیاست-های آن در عراق شالوده- و نماد ملی-گرایی و وطن-دوستی هر جنبشی بود که فعالیت و مشارکت و نقش در جامعه داشته باشد، بنابراین در این دوره واکنش-های سیاسی در برابر سیاست انگلیس بیشتر بچشم می-خورد و می-بایست هر جنبشی نارضایتی خود را در برابر انگلیس نشان دهد یا حد اقل به این سیاست ضد انگلیسی تظاهر نماید تا اینکه مقبولیت جامعه مذهبی و اجتماعی عراق را بدست بی-آورد. تشکل-های سیاسی و قشرهای اجتماعی از طریق فشارهای اجتماعی و تظاهرات خواستار برگرداندن منابع طبیعی و سرمایه ملی بودند که انگلیس آنها را اشغال نموده بود. مهم-ترین منابع و تأثیرگذارترین آنها در عراق برای انگلیس نفت و ژئوپولیتیک عراق از لحاظ سیاسی و اقتصادی بود که اهمیتی چندانی از لحاظ امنیتی و سیاسی در منطقه داشت و انگلیس از آنها مانند هر دولت استعماری در کشوری اشغال شده بهره می-برد. (احمد، ۱۹۸۱، ص. ۵۵)

در این دوره در عراق اختلافات و اختلاف نظر میان توده مردم و دیدگاه‌های آنان، از طریق سازمان-ها، قشرهای اجتماعی، گروه-ها و تشکل‌های سیاسی و اجتماعی-عشایری بیان می-شد، جامعه عراقی جامعه-ای ناهمسان پر از اختلافات سیاسی، ملیتی، مذهبی و اجتماعی بود و هست، البته این اختلافات نقش در حجم درگیریهای درون جامعه داشت و هر گروهی حسب ادعای خود مدعی قدرت بود یا حد اقل نمی-خواست قدرت محلی خود را اعم از قدرت عشایری، اجتماعی و مذهبی از دست دهد و زیر مقررات و قوانین و قدرت دولت جدید التأسیس برود. شاخص-ترین گروه-های که باهم دیگر رقابت داشتند از لحاظ اجتماعی عشایر و ایلات عراق، ملی-گرایان عرب و گروه‌های ملی‌گرا، آشوری‌ها و.. الخ بودند، از لحاظ مذهبی کشمکش میان اهل تشیع و تسنن در برخی مواقع در اوج خود بود. همه این-ها برای ساختن هویت جدید دولت عراق مشکل-ساز بود و تأثیر خود را در فضای سیاسی عراق جا گذاشت. علاوه بر قیمومت بریتانیا علیه عراق و سرکوب مردم توسط بریتانیا از نارضایتی-های آنان در برابر سیاست-های استعمارگرایی آن در عراق، حتی گاهی سازمان-های دولتی که شعار آنان نیز ضد حکومت-های استبدادی بود، باز خود آنان بعد از رسیدن به قدرت از سیاست سرکوبگرایی پرهیز نمی-کردند. اما بیشتر از همه-ی عوامل تأثیرگذار در کنش-های جمعی مردم عراق در این سال-ها، قیمومت انگلیس علیه کشور عراق بود و این از نهم-ترین عوامل بود که باعث کنش‌های جمعی مدام توده مردم بود، بریتانیا به بهانه حفاظت از منافع سیاسی-اقتصادی و امنیتی خود، قیمومت را علیه عراق اجرا کرد، اما برای عراقی‌ها این امر ناعادلانه و اشغالگرایی به حساب می-آمد و کشمکش-های جدیدی میان عراقی‌ها و انگلیس را به وجود آورد و مسیر تاریخ معاصر را در این کشور رقم زد و سرآغاز تاریخ معاصر گر از کشمکش عراق شد. (تریپ، ۲۰۰۶، ص. ۳۲ و ۶۷)

در سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۲ عراقی-ها، مدام مطالب-شان را برای استقلال و خودگردانی کشورشان به شیوه-های گوناگون بیان کردند و از طریق تظاهرات و کنش-های جمعی نقش سیاسی خود را در عرصه سیاست در برابر انگلیس ایفا کردند.

می‌توان گفت جنبش معروف ۱۹۲۰ م عراق، اولین واکنش گسترده مردمی علیه حاکمیت انگلیس در عراق بود. نطفه این جنبش به اشغال بغداد در سال ۱۹۱۷ م / ۱۲۹۶ ش شروع شد، اما بعد از عدم پایداری انگلیس به عهد خود (که به حفظ استقلالیت عراق تعهد داده بود) پس از جنگ جهانی اول بود، زمینه-های تدریجی قیام ۱۹۲۰ را علیه انگلیس مهیا کرد. درست همزمان با فتح و اشغال استانهای عراق، پرا که شیوه و سبک مدیریت و اداره مملکت به شیوه انگلیسی در حال ارائه و اجرا بود. شیوه مدیریتی که بر عراق تحمیل گردید قطعاً شیوه تفکر افرادی بود که مورد حمایت اداره امور هند در انگلستان بودند و الگوی آنان عمدتاً همان ساختار امپراتوری بریتانیا در هند بود. (کریمی، ۱۹۸۸، ص. ۷۲) در برابر نارضایتی-های مردم، انگلیس سیاست سرکوب را انتخاب کرد، در نتیجه ۶۰۰۰ عراقی و ۵۰۰ سرباز بریتانی-هندی کشته شدند. (تریپ، ۲۰۰۶، ص. ۸۳) البته این قیام برای عراقی‌ها به یک الگوی ضد انگلیس تبدیل شد و نارضایتی-ها بعدی را به دنبال آورد، به گونه-ای هر بحران و مشکلی پیش می-آمد، انگلیس را به یکی از عوامل آن به حساب می-آوردند.

یکی دیگر از رویدادهای که نارضایتی مردم عراق را بالا برد، توافقنامه-های سال ۱۹۲۴ م، معروف به "معاهده عراقی-بریتانی" بود، که انگلیس می-خواست این معاهده را در مجلس تاسیسی عراق به تصویب برساند. اما بخش بزرگ از تشکل-های سیاسی و عشائر و توده

مردم به این امر ناراضی نشان دادند و به شدت معاهده را رد کردند. البته محتوی قرار داد دولت عراق و انگلیس، چهار ضمیمه را با خود گرفته-بود، که شامل شیوه مدیریت وضع اقتصادی، سیاسی و تعیین مشاورین انگلیس در وزارتخانه های عراق را در برمی-گرفت. از نظر عراقی-ها این معاهده حکومت عراق را مقید می-ساخت و راه را برای استعمار بریتانیایی باز می-کرد تا آسمان، زمین، نفت و دیگر منابع عراق را به نفع خود مورد استفاده قرار می-داد. در شعارهای انگلیس، این قرارداد نقشه-ای برای استقلال عراق بود و شیوه و راهکارهای خروج عراق از قیمومت بریتانیا و رسمیت شناختن عراق و رسمی شناختن آن در عرصه بین المللی توسط سازمان ملل بود. اما رجال سیاسی معارض انگلیس، جز تداوم قیمومت نفعی در این قرارداد نمی-دیدند، البته همان امر باعث خشم عراقی-ها شد، از جمله دانشجویان را به سوی تظاهرات و ادار نمود که فاعلان اصلی این تظاهرات استاد و مربی-یان آنان بودند که دانشجویان را تشویق می-کردند تا شعارهای را علیه انگلیس نشان دهند. (الزیدی، ۱۹۷۸، ص. ۱۶)

بعد از قرارداد ۱۹۲۴ در سال های ۱۹۲۶ و ۱۹۲۷ و ۱۹۲۹ و ۱۹۳۰ درباره با شکل های مختلف قراردادهای دیگر میان انگلیس بریتانیا به صحنه سیاسی عراق می آمدند و خشم عراقی ها بیشتر می کردند، تا نهایتا در سال ۱۹۳۰ یک قرارداد جدید راه استقلال را برای عراقی ها باز گذاشت و در سال ۱۹۳۲ طبق مقررات این قرارداد دیگه عراق زیر انتداب بریتانیا خارج شد و مانند یک کشور مستقل در سازمان ملل شناسایی شد. و این جریان های سیاسی بریتانیا و حکومت عراق زمینه بودن برای کنش دانشجویان عراق ضد سیاست بریتانیا و حکومت عراق آن زمان.

وضعیت آموزش و پرورش در عراق

قبل از ورود انگلیس به عراق در جنگ اول جهانی، تمرکز اهداف آموزش پرورش، بیشتر بر آموزش درس-های مذهبی و کتاب-های درسی اغلب مذهبی بودند، که بر دو بخش تقسیم شده بودند: نخست، مدرسه-های مذهبی تابع مساجد و حوزه-های مذهبی، و دیگر مدارس مذهبی رسمی که توسط دولت عثمانی قبلاً شناخته شده-بودند. بنابراین فلسفه تعلیم و تربیت در چارچوب ارشادات مذهبی و سنت-های دیرینه جامعه بود، در راستای جهان جدید و اصلاحاتی که در جهان معاصر رخ داده-بود کم-توان بود. از لحاظ مالی و هزینه مدارس، توسط والیان دولت هزینه-های مالی پرداخت می-شد. بیشتر مدارس رسمی در هر سه ولایات عثمانی بصره، بغداد و موصل تقسیم شده-بودند که تقسیمات کشور منطقه نیز به همان روال بود و مدارس و حوزه-های درسی در این شهرها و توابع آن ایجاد شده-بودند، مانند مدارس امام اعظم، سلیمانیه و علییه، در موصل مدارس مانند پاشا، نعمانیه و خاتون و غیره، در بصره نیز مدرسه حمدانیه وجود داشت. (المفرجی، ۲۰۱۲، ص. ۲۵۰)

اما بعد از کودتا سال ۱۹۰۸ اتحاد و ترقی در دولت عثمانی، تحولات چشمگیری در مدارس به-ویژه مدارس حکومتی شکل گرفت، اگرچه این تحولات نسبتاً به مناطق ترک-نشین کمتر بود، اما پیشرفتی در عرصه آموزش و پرورش را ایجاد کرد تا تا سال ۱۹۱۳ م علاوه بر باز شدن مدارس اعم از دبستانها و دبیرستانهای پسرانه و دخترانه دولتی، چند تا دانشکده پرورش معلمان و مربیان و دانشکده حقوق باز شد. در کل عراق تا سال ۱۹۱۵ م، ۱۶۵ دبستان ۷۸ از آنها در بغداد، ۵۶ در موصل و ۳۱ در بصره بودند. چهار دبیرستان و پیشاهنگی در بغداد، کرکوک، موصل و بصره وجود داشتند. (الدوری، ۲۰۱۰، صص ۹ و ۱۲) و در سال ۱۹۰۸ م بعد از اعلام مشروطه عثمانی و قانون اساسی، دانشکده حقوق تحت عنوان (مکتب حقوق العثماني) در بغداد تأسیس گردید و اولین دانشکده در عراق صورت گرفت. و در سال-های ۱۹۲۲ و ۱۹۲۳ م نیز بنیاد خانه معلمان (دارالمعلمین) توسط دولت عراق تشکیل شد و هدف این خانه تربیت معلمان و مربیان برای مدارس بود. (الهلالی، ۲۰۱۸، ج ۱، صص ۲۰۶ و ۲۱۴)

اما بعد از سال ۱۹۱۷ م، در اواخر جنگ اول جهانی، که در این دوره دیگر عراق تحت اشغال انگلیسی-ها درآمد، سیاست جدیدی در امور آموزش و پرورش در پیش گرفت، تمرکز انگلیسی-ها بر آن بود، که نخبگان و جوانان عراق را از طریق کارگاه آموزشی سریع که حداکثر آن سه ماه بود، معلمان و مربیان جدید برای تدریس و آموزش مدارس به وجود بیاورند و در برابر همه معلمان قدیم که در کارگاه شرکت نمی-کردند اخراج می-شدند. از طرف دیگر شروع به افتتاح مدارس جدید کردند. برای مثال فقط در سال ۱۹۱۹ م بعد از اتمام دو کارگاه آموزشی سه

ماه و بخشیدن مدارک معلمی به شرکت کنندگان، در بغداد هشت دبستان افتتاح گردید. (الهلالی، ۲۰۱۸، ج ۱، ص ۱۸۶) در سال-های بعد از جنگ اول جهانی آموزش و پرورش عراق از لحاظ توجیه و مدیریت به مثابه یک اهرم بود که حاکم سرسازی انگلیس در رأس آن و بعد از آن وزارت معارف یا سازمان معارف و دیگر مسئولین سیاسی انگلیس در شهرها و مدیران مدرسه در پایین اهرم بودند. (المفرجی، ۲۰۱۲، ص ۲۵۵)

نقش سیاست، ملی-گرایی در تحولات آموزش و پرورش

در میان سال-های دوره قیمومت عراق، وزارت آموزش و پرورش (وزاره المعارف) از سوی کسانی اداره می شد، که بیشتر به فکر به کاربردن تربیت بودن به مثابه یک ابزار سیاسی و ملیتی، بنابراین کتاب های آموزشی و سیاست های تربیتی را به گونه توجیه می کردند که خدمت نخبه سیاسی یا ملیت عربی یا فرمانروایان آن دوره می کرد. در وزارت معارف کسان ملی-گرایی عرب در رأس آنان ساطع الحصری که متفکرین و ملی-گرایان عرب سوریه، وجود داشتند و خود حصری مدیریت کتاب-های درسی را در وزارت معارف در دست داشت، از اقدامات حصری استخدام مدرسین و مربیان ملی-گرایی عرب در داخل و خارج عراق مانند انیس نصولی ملی-گرا و اخراج معلمان چون محمد مهدی جواهری که هماهنگ با سیاست-های وی نبود در ترویج ملی-گرایی عربی در عراق، و اقدامات دیگری آن بازنگری کتاب-های درسی مانند تاریخ و زبان و غیره بود که ملی-گرایی عربی و وطنی محور و هدف کتاب-ها بود (المفرجی، ۲۰۱۲، صص ۲۵۷-۲۶۰) البته علاوه بر آن که سیاست بریتانیا در وزارتخانه آموزش و پرورش را می-بایست رعایت کرد و به گونه-ای که دانشجویان به سوی ضد استعماری توجیه نکند. برای این کار مسئولین آموزش و پرورش از هیچ گونه سرکوب کردن دانشجویان پرهیز نمی کردند. ساطع الحصری که سمت مدیرکل وزارت آموزش و پرورش را داشت و مستقیم توسط ملک فیصل پادشاه عراق آن سمت را گرفته بود، او بنیانگذار سیاست تربیتی و ۲۰ سال مدیر برنامه ریزی وزارت بود، نقش بسیار بسزایی در شکلگیری کتاب-های درسی داشت. اندیشه او این بود که یک هویت ملی-گرایی عربی از طریق وزارت آموزش و پرورش را در عراق تزریق کند و عربی-بودن هویت عراق را از این طریق اثبات کند، در حال از لحاظ ملیتی و مذهبی عراق کشور چند ملیتی بود. وی برای رسیدن به اهدافش، رابطه خوبی با مسئولین و اداره بریتانیا در عراق ایجاد کرده بود و با همه توانمندی خود سرکوب و اخراج هر دانشجویی را در سر داشت که برخلاف آرمانهای جدید وی و مقررات انگلیس عمل کند. می-توان برخورد سختگیرانه وی را در تظاهرات ۱۹۲۶ و ۱۹۲۸ مصداق این سخن دانست، او تمام معلمان و دانشجویانی که عاملان اصلی تظاهرات بودند اخراج کرد. (فاضل، ۲۰۰۶)

در برابر نارضایتی های دانشجویان ضد سیاست استعماری، سیاست اداره بریتانیا در عراق سرکوبگریانه و توسط افراد و سربازان حکومت عراق و بریتانیا سرکوب می شدند. در مدرسه های عراق خشونت بسیار زیادی به کار می رفت، مخصوصا اگر دانشجویان در فعالیت های سیاسی شرکت می کردند. البته سازمان ها و تشکل های سیاسی و معلمان ضد و معارض حکومتی و استعماری هم بودند که دانشجویان را تشویق می کردند. مثلا در مسئله یک فعال سیاسی یهودی الفرد موند ۱۹۲۸ به عراق آمده بود، دانشجویان نارضایتی خود را در برابر حکومت و بریتانیا نشان دادند و خشم خود را در برابر یهودی های ساکن فلسطین نشان دادند، اما در برابر وزارت کشور و وزارت آموزش و پرورش به سختی با این تظاهرات برخورد کردند ۳۵ دانشجو را اخراج کردند و باشگاه التضامن را بستند. (الحسنی، ۱۹۸۸، ص. ۱۵۳)

حالا اگر با دقت نظریه "بسیج منابع" چارلز تیلی را در نظر گرفته شود، می توان گفت طرف-های جامعه سیاسی عراق از یک طرف سازمان-های ناراضی، که به گفته تیلی (سازمان به معنی دسته-ای بودن و شبکه-ای بودن) مجموعه-ای افراد که دربردارنده یک دسته هستند و حس گروه-بودن به خود می گیرند و از هویت مشترک و شبکه-های داخلی وسیع تری برخوردار باشند. (تیلی، ۱۳۸۸، ص. ۹۵) وجود دارند، از طرف دیگر چالشگران، توده مردم (دانشجویان)، بسیج و منافع که به هدف رسیدن به آرمان-ها و رفع محرومیت و ایجاد تغییر در حرکت بودند و وجود داشتند، تشکل-های سیاسی مانند احزاب و باشگاه ها و قشرهای اجتماعی مانند دانشجویان، کارگران و عشایر عراق که از محرومیت خودشان در منافع و منابع عراق آگاه بودند و به شکل گوناگون نارضایتی های خود را بیان می-نمودند، می-توان گفت که این قشرها بودند که به نوعی مدعی کنش اجتماعی به حساب می-آمدند و هدف آنان ایجاد تغییر و رفع محرومیت و کاهش قدرت سیاسی انگلیس بودند. از سوی دیگر یک قدرت سرکوبگر انگلیس و دولت عراق تبعه آن، که تحت کنترل انگلیس بود و به نفع آن در کار بود (از نظر

چالشگران و مدعیان کنش اجتماعی) و قدرت سرکوبگر سختگیر وجود داشت. اینها را می-توان اطراف منازعه در عراق نامید که در دهه بیست قرن گذشته باعث یک جنبش اجتماعی مردم عراق و به ویژه کنش دانشجویان و مدارس-ها شد، در این دوره حداقل چهار کنش و تظاهرات دانشجویی رخ داد. که می توان مدعیان و کنشگران و حامیان قدرت و سرکوبگران این حوادث را با "مدل جامعه سیاسی" و "مدل بسیج" مقایسه کرد و بیشتر جنبه-ها و عوامل آنها توضیح داده شود. (ن.ک: شکل شماره ۱ و ۲)

البته این چهار کنش دانشجویی در سال های ۱۹۲۶م، ۱۹۲۷م، ۱۹۲۸م، شباهت-های زیادی با هم دارند، اما از لحاظ عوامل و ایجاد واکنش و پیامدهای آن مختلف هستند، بنابراین باید جداگانه زمینه ها و عوامل آنها را مورد بررسی قرار داد:

. تظاهرات دانشجویی سال ۱۹۲۶ علیه توافقنامه عراق-انگلیس

چارلز تیلی معتقد است که به علت آنکه منافع جمعی وجود دارد، بر آوردن منافع فردی نقش مهمی در تامین آن منافع جمعی ایفا می کند. (تیلی، ۱۳۸۸، ص. ۹۴) البته تغییرات سیاسی عراق پس از جنگ جهانی اول و وجود انگلیس به مثابه یک استعمار از یک طرف که حس محرومیت را برای عراقی-ها ایجاد کرد و احساس کردند که از منابع خودشان محروم شده-اند، از طرف دیگر علاوه بر آن که افراد جامعه منافع جمعی هم دارند، سازمان-ها و گروه-های وجود داشتند که فضای سیاسی و تغییرات نوین را بسیج می-کردند تا به سوی یک کنش جمعی وادار شوند.

در سال ۱۹۲۴م، توافقنامه-ای میان دولت عراق و انگلیس به امضا رسید، بریتانیا خواستار بود تا به زودی این توافقنامه را در مجلس تأسیسی عراق تصویب کند، اما تصویب موافقتنامه به علت فشارهای جامعه و تشکل-ها به تعویق افتاد و بعد از دو سال در مجلس تصویب شد. برای انگلیس این توافق، جایگاه استعماری او و امتیازات نفتی، بهره-بردن از منابع و عراق و برقرارکردن امنیت بیشتر برای سربازان انگلیس را در عراق پایگذاری می-کرد. در مقابل توافقنامه از دیدگاه جامعه عراق و تشکل-های آن، جز تبعیت از انگلیس ثمری برای آنها نداشت، این امر احساس اشغال کشور توسط استعمار و محرومیت از منابع(منافع) را بیشتر می-کرد و به طوری به این توافق نگاه می-کردند که یک امر نابرابر است میان یک دولت بزرگ استعمار اشغالگر و یک کشور اشغال شده بی-قدرت. (الزیدی، ۱۹۷۸، ص. ۱۵) مدت توافقنامه مذکور ۲۵ سال بود، که بایستی هر دو طرف محتوی موافقتنامه را اجرا کنند. در متن توافقنامه امتیازات نفت عراق به نفع شرکت-های انگلیس قرارگرفته-بود. همانطور طبق مصوبه-های آن، دولت انگلیس می تواند سربازها، زمین و آسمان عراق را در وقت لازم به کار ببرد. همچنان می-بایست سیاست خارجی عراق با سیاست بریتانیا هماهنگ و تبعه آن باشد.

این باعث خشم جامعه عراق شد، در سال ۱۹۲۶م، به ویژه دانشجویان مدرسه-های بغداد که توسط نخبگان و تشویق می-شدند، دانشجویان در این راستا تظاهرات را راه انداختن و درخواست-های خود را به مقامات دولت برای الغای توافقنامه رساندند، علاوه بر آن درخواست ویژه را به وزارت آموزش و پرورش تقدیم نمودند که در متن آن خواستار اخراج-کردن گودال (Goodall) بودند که یک مدرس انگلیسی بود در یکی از دبیرستان-های شهر بغداد. چرا که نامبرده در حین تظاهرات الفاظ توهین-آمیز و فحش و کلمات ناشایسته را به دانشجویان و علیه مردم عراق و جنبش ملی عراق به کار برده بود. در مقابل مسئولین وزارت معارف به زودی درخواست دانشجویان را مخصوص به اخراج گودال را اجرا کردند و اخراج گردید. (الزیدی، ۱۹۷۸)

سرکوب مردم و حس محرومیت آنها از منافع و خودگردانی از یک طرف و قیومیت و توافقنامه بریتانیا از طرف دیگر که منابع اقتصادی و جغرافیای عراق را تحت تصرف اداره بریتانیا قرار می داد، باعث این واکنش تند دانشجویان بود. استادان و دانشجوین عراق به مثابه جزو از توده مردم قبل از هر گروه دیگر این محرومیت را حس کردند.

علت اصلی این واکنش مردم عراق به طور کلی و مدرسان و دانشجویان از منظر نظریه چارلز تیلی، حس مشترک محرومیت مردم عراق از منافع عراق بود، این یک نوع هویت گروهی مشترک را برای عراقیان بویژه ساخت و از طریق گروه بودن و شبکه ای بودن آنان، عامل ایجاد سازمان-دهی-شدن گروه بود، که تشویق ایده-ای ضد استعماری را قبل از هر چیز واجب می-دانست. گروه دانشجویان نیز در معرض سرکوب بودن. این گروه عمدتاً در صدد منافع جامعه عراقی بود، و به گونه-ای از جامعه نمایندگی می-کرد.

۲. تظاهرات سال ۱۹۲۷ م، به علت اخراج انیس نصولی

در سال ۱۹۲۷ یک فعالیت چشمگیر دیگر دانشجویان در بغداد بوجود آمد. که زمینه آن به سال-های قبلی برمی-گردد، در سال ۱۹۲۴ م و ۱۹۲۵ م، چهار مدرس تحصیل کرده دانشگاه امریکا در بیروت، در وزارت معارف به عنوان مدرس در عراق با نام-های (انیس نصولی^(۲))، عبدالله المشنوق، درویش المقدادی و جلال زریق) استخدام شدند. آن ها تاریخ و ریاضیات را در بنیاد معلمین (جای که معلمان وقت از آنجا تحصیل می کردند) و در دبیرستان-های عراق درس می دادند. (الزیدی، ۱۹۷۸، ص. ۱۷)

انیس نصولی، در اواخر سال ۱۹۲۷ م، در بغداد یک کتاب درسی برای ماده تاریخ تحت عنوان (الدوله الأمویه فی الشام) نوشت و توسط وزارت معارف چاپ شد. متن کتاب درباره قیام امویان و قلمروی آنان بود، این کتاب جزو کتاب های درسی آموزشی بود. (العمری، ۱۹۸۶، ص. ۱۴۴) اما به علت مذهبی بودن جامعه عراقی به ویژه وجود جامعه چشمگیری اهل تشیع در عراق و سنتی بودن آنها، باعث واکنش روحانیون و جامعه شد.

به گفته عبدالرزاق حسنی از مورخان عراق، این کتاب باعث خشم اهل عراق شد، همانطور که اشاره می-دهد علت فقط نشر کتاب نبوده، بلکه به تنش میان امویان و هاشمیان برمیگردد که کینه دیرینه در این میان وجود دارد و به دوره-های قبل از اسلام نیز برمی گردد، در طول تاریخ اسلام هم عراق با هاشمیان پیوند داشته و بر خلاف امویان و گرایش آنان عمل کرده است. بعد از نشر کتاب نصولی درباره امویان، دوباره این زخم قدیم را آتش زد و باعث خشم عشایر، مذهبیان و اهالی عراق شد. جامعه شیعیان عراق این کتاب را به یک نوع توهین به علویان می-دیدند. (الحسنی، ۱۹۸۸، ص. ۸۸) از نگاه آنان کتاب انیس نصولی یک شکاف جدید میان اهل تسنن و تشیع را در عراق بوجود می آورد. (تریپ، ۲۰۰۶، ص. ۱۰۵)

در مقابل نارضایتی و تنفر اهل تشیع از کتاب، وزیر آموزش و پرورش عراق (عبدالمهدی المنتفکی) دستور اخراج نصولی و حذف کتاب در کتاب های آموزشی درسی را صادر کرد. (عامری، ۲۰۰۹، ص. ۹۴)

در مقابل اخراج نصولی، مدرسان معارف بغداد نیز موضع گرفتند و به تشویق دانشجویان پرداختند و تا وزیر و وزارت را قانع کنند که تصمیم خود را در برابر نصولی الغا کنند. البته دانشجویان (بنیاد دارالمعلمین) و دبیرستان-ها در ۳۰ کانون دوم ۱۹۲۷ م، تظاهرات را در پارک صالحیه بغداد ایجاد کردند و درخواست الغاء فرمان اخراج نصولی شدند، این تصمیم وزرات را به "سرکوب آزادی اندیشه" نامیدند. در ادامه تظاهرات، برخی از روحانیون خواستار آن بودند که دانشجویان بیانیه-ای برای وزیر بنویسند و از این طریق طلب خود را به وی برسانند، در متن بیانیه (که ۱۷ دانشجو به نمایندگی کل دانشجویان، آن را امضا کرده بودند) آمده بود که دانشجویان قرار اخراج نصولی را نوعی از سرکوب جنبش فکری می دانند و خواستار برگشت نصولی هستند. (الزیدی، ۱۹۷۸، ص. ۱۹)

در ادامه تظاهرات و رسیدن دانشجویان به وزارت معارف که در صدد رساندن پیام دانشجویان به وزیر بودند، مسئولین از دانشجویان خواستند که تظاهرات به پایان برسانند، اما دانشجویان این طلب را رد کردند و در مقابل پلیس و کارمندان دولت با دانشجویان درگیر شدند و در نهایت تبدیل به خشونت جمعی شد. هر دو طرف خشونت را اعمال کردند. البته بعد از این، کم کم تظاهرات دانشجویی تبدیل به یک فتنه مذهبی شد. اما دانشجویان از ترس تبدیل شدن تظاهرات به یک شکاف بزرگتر مذهبی، تظاهرات خیابانی را پایان دادن و فقط در داخل مدارس به نارضایتی ادامه دادند. اما در مقابل، وزارت معارف، یک هیئت بررسی رویدادهای تظاهرات و راه حل مشکلات را به ریاست (سمرفیل) مشاور انگلیسی در عراق و عضویت چند تا از مسئولین وزارت تشکیل کرد. اما کار و بررسی-های هیئت به طور پیش می رفت که فتنه طائفی را در عراق ابراز می-کرد، تا اینکه عاملان و نمایندگان دانشجویان، امر را فهمیدند و تظاهراتشان به پایان دادند. (عامری، ۲۰۰۹، ص. ۹۶) (۳)

این فعالیت و بسیج دانشجویان، از آن لحاظ قابل اهمیت است که حس گروه بودن افراد دانشجویان و همدلی آنان با استاتید خود، یک نوع از کار گروهی بود و برای مشارکت بیشتر دانشجویان در عرصه سیاست مانند الگو ماند. در رخدادهای بعدی، ملاحظه می-شود که دانشجویان در فعالیت-های که علیه استعمار انگلیسی و حکومت های سرکوبگر عراقی راه افتاد مشارکت کردند. از همه مهم-تر پدید آوردن

یک نوع دیگر از جنگیدن با استعمار بود و واکنش مسالمت آمیز بود برعکس واکنش های دیگر آن زمان.

آن چیز که دانشجویان را متحد کرد تهدید و سرکوب از یک طرف و حس گروه بودن و زمینه اجتماعی باعث واکنش دانشجویان شد، این افراد مانند یک گروه بسیج شدند و برای منافع و مطالب خودشان یک کنش جمعی را راه انداختند و هزینه کنش را هم دادند. این همان دیدگاه تیلی است برای صورت گرفتن یک کنش اجتماعی که قبلاً به آن اشاره شد.

۳. تظاهرات دانشجویان سال ۱۹۲۸ م، در قبال سفر الفرد موند یهودی به بغداد

تغییرات سیاسی گاهی اوقات عامل اساسی، یک کنش جمعی می شود، اقدامات مسئولین و کارمندان دولت بر کنش-های جمعی تأثیرگذار است. (اسکاچپول، ۱۳۸۸، ص. ۳۶۶) بعد از شروع جنگ اول جهانی و تأسیس دولت عراق، مسئله فلسطین و گمانه-زنی-ها برا تأسیس دولت اسرائیل و کشمکش-های میان اعراب و صهیونیست-ها بر سیاست و توده مردم در جامعه عربی نقش بسزایی داشت. در آن دوره در عراق روزنامه-ها، نخبگان و تشکل-های سیاسی اهمیت زیادی به الغا کردن و تندید پیمان بلفور می-دادند و تلاش-های فراوانی در این راستا انجام می-دادند. این امر باعث از طریق نخبگان و بسیج-کردن توده مردم علیه تشکیل دولت یهودی در در فلسطین انجام می-شد و از جمله آنان دانشجویان و بسیج مدارس بود. در دهه اول تأسیس عراق دانشجویان عراق بطور گوناگون، ابراز همدلی از طریق جمع پول و کمک- و همکاری با عرب-های فلسطین کردند. (العمری، ۱۹۸۶، ص. ۱۴۱)

در سال ۱۹۲۸ م، میان شبکه-های خبری و رسانه-های محلی، خبر سفر شخصیت سیاسی یهودی به نام الفرد موند به مناطق خاورمیانه منتشر شد، عراق نیز جزو برنامه مذکور بود. خبر سفر موند تأثیر چشمگیری در افکار عمومی جا گذاشت. در میان قشرهای جامعه اساتید و دانشجویان این سفر را به یک توهین برای اعراب و عراق نگاه می-کردند. موند برای سفرش به عراق قبلاً با مسئولین عراق هماهنگ کرده بود و اجازه سفر را از پادشاه عراق ملک فیصل اول، گرفته بود و فیصل از او استقبال کرده بود. البته خبر استقبال فیصل از موند توسط ملی-گرایان به یک توهین تلقی شد، برخی از نخبگان معارض عراقی و تشکل های سیاسی نیز این سفر را به یک تهدید برای امنیت عراق اعلام کردند و برای همان امر عراقیان برای تظاهرات بسیج کردند. از طرف دیگر یهودیان عراق، در ۶ فوریه ۱۹۲۸ م، خود را برای استقبال بزرگ از الفرد موند تهیه می-کردند و طبق برنامه موند در ۸ فوریه ۱۹۲۸ م، وارد عراق شود. (السودانی، ۱۹۸۰، ص. ۶۷) (الریبعی، ۲۰۱۷، ص. ۲۴۰)

دانشجویان البته با تشویق احزاب سیاسی و باشگاه "تضامن" ملی-گرا، با شنیدن این خبر، بیشتر خشمگین شدند. دانشجویان در مؤسسه تربیت معلم (دار المعلمین)، دبیرستان های بغداد و دانشکده حقوق بیرون آمدند و اجتماع بزرگ را برای ممانعت از سفر موند انجام دادند، آن ها به سوی باشگاه تضامن رفتند و خود را برای "تظاهرات بزرگ" در روز ۸ فوریه ۱۹۲۸ آماده ساختند. (الزیدی، ۱۹۷۸، ص. ۲۴)

روز ۲۸ فوریه، دانشجویان خیابان بزرگ رشید بغداد را گرفتند و شعارهای پشتیبانی از فلسطین، عرب و ضد صهیونیستی و استنکار سفر موند را رفع کردند، این تظاهرات برای دولت وقت که نخست وزیر آن عبدالمحسن سعدون بود، خوش-آیند نبود، از یک طرف باعث خشم انگلیس می-شد و از طرف دیگر کابینه سعدون به کابینه طرفدار انگلیس در افکار عمومی عراق قبلاً شناخته شده بود. بنابراین کارمندان دولت به شدت از موند حمایت کردند، پلیس و مأموران امنیتی را در حمایت و حفاظت از آن قرار داد. از طرف دیگر برای کاهش خشم مردم و دانشجویان، تصمیم گرفت موند را به صورت مخفیانه به مکان مناسب و دور از تظاهرات بفرستند. و همین کار را کردند و وی را به یک مرکز انگلیس-ها در بغداد بدرقه نمودند. اما برای سرکوب نارضایتی-ها، دولت خشونت را اعمال کرد و دستور بستن ورودی باشگاه (تضامن) و تبعید کردن رئیس باشگاه یوسف زینل به علت تشویق و بسیج دانشجویان در بغداد به بصره را صادر کرد. در نهایت ۳۵ دانشجو را دستگیر کرد و از طریق نیروهای انتظامی دانشجویان را سرکوب و تظاهرات را در همان روز پایان داد. (السودانی، ۱۹۸۰، ص. ۶۹)

اما در روزهای بعدی، تظاهرات دانشجویی وسیع تر شد و روحانیون و نخبگان سیاسی نیز به تظاهرات پیوستند و شرکت نمودند. در مقابل دولت وقت، دستور تفریق متظاهرين و دستگیری روحانیون را صادر کرد و دستور اخراج کردن دانشجویان شرکت کننده را در تظاهرات هم صادر کرد. روزنامه-ها نیز (مانند روزنامه-های النهضه و شعب) و حزب شعب به ریاست یاسین الهاشمی، به شدت تصمیم دولت را مورد انتقاد قرار دادند، حزب وطنی به ریاست سعید الحاج نیز از حکومت عراق خواست که دستورات صادر شده علیه متظاهرين را الغاء

کند. حکمت سلیمان که وزیر دادگستری وزارت سعدون بود از موضع دولت سعدون انتقاد کرد و استعفاء داد، اگرچه نخست وزیر استعفاء سلیمان را نپذیرفت. در نهایت بعد از ۳ ماه از تظاهرات، دولت با یک بیانیه جدید تصمیمات سابق خود را لغا کرد. (السودانی، ۱۹۸۰، ص. ۷۱)

در نتیجه تظاهرات دانشجویان ۸ فرابری، از لحاظ اجتماعی و سیاسی باعث تغییر افکار عمومی علیه دولت گردید و یک چالش بزرگ چند ماهه را برای آن ایجاد کرد. علاوه بر آن، الفرد موند نیز به صورت مخفیانه در مدت کمتر از یک هفته عراق را ترک نمود.

نتیجه-گیری

در نتیجه می-توان گفت محرومیت افراد از منافع و منابع و تغییرات سیاسی و سرکوبگری دولت از یک طرف و سازمان-های گوناگون و تشکل-های عراق، از طرف دیگر، نقش بسزایی در بسیج دانشجویان داشتند، دانشجویان بیشتر به عنوان ابزار سیاسی مورد استفاده رجال سیاسی و تشکل-ها قرار گرفته-اند. در رخدادهای مرتبط به تظاهرات دانشجویی بطور کلی می-توان استنباط کرد که فضای سیاسی نقش تعیین کننده را در کنش-های جمعی و بسیج توده مردم داشت..

البته با استناد به تحلیل مفاهیم مانند سرکوب/تسهیل، در رخدادهای دوره مورد پژوهش حاضر، می-توان گفت که سرکوب و تسهیل دولتی در قبال تظاهرکنندگان، نقش در حجم و شدت تظاهرات را ایجاد کرده است. اگر این امر در نظر گرفته شود، سرکوب دولت انگلیس و دولت عراق در برابر دانشجویان بیشتر علت افزایش تظاهرات گردید و فعالیت-های دانشجویان را به مثابه یک ابزار سیاسی مورد استفاده سازمان ها و گروه های سیاسی قرارداد. خود سرکوب دولت-های انگلیس و عراق در برابر مردم، تحت عنوان قیمومت عراق و سرکوبکردن دانشجویان بطور ویژه، حس گروهی و بسیج شدن برای تظاهرات را در عقیده کنشگران و دانشجویان ایجاد کرد.

نکته قابل توجه در این تظاهرات آن بود که کنش دانشجویان در این دوره تاریخ معاصر عراق، بیشتر سیاسی بود و تحولات سیاسی عامل اصلی کنش-های جمعی بود و دانشجویان را بسوی تظاهرات را وادار نمود. چرا که دانشجویان برای زندگی روزمره یا زندگی دانشجویی تظاهرات را انجام ندادند، بلکه یک کاسه کردن منافع خودشان در عرصه منافع جامعه و توده مردم باعث شد در تظاهرات شرکت کنند اگرچه در این امر نمی-توان نقش اساتید و کنشگران تشکل-ها و تشویق آنان را نادیده گرفت.

حاشیه ها

۱. چارلز تیلی در سال ۱۹۲۹ تولد یافته و در دانشگاه های هاروارد و آکسفورد تحصیل کرده است. وی در دانشگاه میشیگان و مدرسه جدید تحقیقات اجتماعی تدریس کرده و از جمله آثارهای تیلی: از بسیج تا انقلاب (۱۹۷۸)، ساختارهای بزرگ، فرایندهای کلان و مقایسه های عظیم (۱۹۸۵)، فرانسوی ستیزه جو (۱۹۸۶)، انقلاب های اروپایی (۱۹۹۳)، شهر ها و ظهور دولت ها در اروپا (۱۹۹۴)، و نابرابری پایدار (۱۹۹۸). (تیلی، ۱۳۸۸، ص. ۹)

۲. انیس زکریا نصولی یکی از نویسندگان معروف لبنانی بود، بیشتر به بررسی تاریخ عرب اهمیت می داد، و کتاب های بنام های (هلال، المقتطف و الزهرا) را نوشت. او ابتدا در استان موصل درس می داد بعدا به بغداد منتقل شد. (العمری، ۱۹۸۶، ص. ۱۴۶)

۳. الفرد موند یک یهودی صهیونیست انگلیسی بود، همچنین تجار بزرگ شناخته می شد، در سفرهای خودش اهمیت زیادی به آرمان های صهیونیستی می داد، مرد با نفوذ بود در میان شخصیت های سیاسی بریتانیا، همچنین دوستی زیادی با ملک فیصل عراق هم داشت. (الزیدی، ۱۹۷۸، ص. ۲۴)

- احمد، كمال مظهر (١٩٨١). الطبقة العاملة العراقية التكون و بدايات التحرك. بغداد: دار الرشيد للنشر.
- اسكاجبول، ت. (١٣٨٨). بينش و روش در جامعه شناسى تاريخى. (س. هـ. آقاجرى، مترجم) تهران: نشر مركز.
- الحسنى، ا. ع. (١٩٨٨). تاريخ الوزارات العراقية (جلد الثانى). بغداد: منشورات الابجدية.
- الربيعى، ن. (٢٠١٧). تاريخ يهود العراق/٨٥٩ق.م-١٩٧٣. الجزء الاول. بيروت: دارالرافدين.
- الزيدى، س. ع. (١٩٧٨). لمحات من تاريخ الحركة الطلابية في العراق ١٩٢٦-١٩٣٠. فصلنامه اداب الرافدين ، ٩.
- السوداني، ص. ح. (١٩٨٠). النشاط الصهيونى في العراق ١٩١٤-١٩٥٢. بغداد.
- العمرى، خ. ا. (١٩٨٦). حكايات سياسيه من تاريخ العراق الحديث. بغداد: مكتبة آفاق العربية.
- الدورى، ح. م. ا. (٢٠١٠). تطور التعليم في العراق /١٨٥٠-١٩١٥م، مجله سر من رأى، مجلد ٦، صص ١-١٦.
- المفرجى، ع. ح. ع. (٢٠١٢). السياسة التعليميه في العراق ١٩١٥-١٩٣٠، مجله الباحث، مجلد ٢، جامعه كربلاء، صص ٢٤٨-٢٨٢.
- الهلالى، ع. (٢٠١٨). معجم العراق/سجل التاريخى سياسى اقتصادى اجتماعى ثقافى. الجزء الاول (من الحرف أ الى الحرف ت)، بيروت: دارالرافدين.
- تربى، ت. (٢٠٠٦). صفحات من تاريخ العراق المعاصر. (ز. ج. ادريس، مترجم) بيروت، لبنان: الدار العربية للعلوم.
- تيلي، چ. (١٣٨٨). از بسيج تا انقلاب. (ع. م. زاد، مترجم) تهران: پژوهشكده امام خمينى و انقلاب اسلامى.
- اسماعيلى، ك. (١٣٩١)، نگاهی به نظريه كنش جمعى چالز تيلي، <http://sociology9.blogfa.com/post.24>
- زاهد، س. (١٩٨٩). جنبش هاى اجتماعى معاصر ايران. تهران: انتشارات سروش.
- عامرى، ر. م. (٢٠٠٩). وزراء المعارف في عهد انتداب البريطانى ١٩٢٠-١٩٣٢. دراسات التربويه ، عدد ٨، ٨٥.
- فاضل، م. (٢٠٠٦، كانون الثانى ٢٧). ساطع الحصري وأثره في نظام التربية والتعليم في العراق. www.iraqcenter.net
- كرىمى، م. (١٩٨٨). علل و زمينه ها جنبش ١٩٢٠ عراق عليه انگلستان. فروغ وحدت ، ١٩ ، ٧١
- واعظ، ن. ، شايسته، ش.، حسيني، س. ا. (١٣٩٧). تحولات سياسى عراق از استقلال تا اشغال، فصلنامه پژوهشهاى سياسى و بين المللى، شماره ٣٤، دوره ٩، بهار، صص ١٢٢-٩٠.